



<http://www.arianafghanistan.com>

عنوان مضمون: چرا لویه جرگه...؟؟

اسم: آریانا افغانستان آنلاین محل سکونت: فرانسه تاریخ: 06.01.2018

یادداشت اداره آریانا افغانستان آنلاین

در طول تاریخ، لویه جرگه های افغانستان در شرایط خاص و جهت حل قضایای عمده کشور در امور داخلی و خارجی دائر و برای حل و تنظیم آن قضایا، تصامیم لازم اتخاذ نموده است. بدون تردید این تصامیم اکثرأ جدی و مناسب حال مملکت به عمل آمده و نوع دیگر تصامیم لویه جرگه همان است که بعضأ زورمندان و قدرت خواهان حاکم، از این جرگه به نفع خود استفاده نموده اند. مگر آنچه که در طول تاریخ جرگه های بزرگ یا لویه جرگه ها اکثرأ رعایت شده است:

حفظ تمامیت ارضی، اتحاد و همبستگی مردم افغانستان بوده، دو اصلی که موجودیت کشور مستقیماً به آن وابسته است.

پافشاری غیر معمول عده ای از سیاسیون در داخل کشور برای تدویر یک لویه جرگه این شک را ایجاد کرده است که به احتمال زیاد لویه جرگه مورد نظر این ها همان نوع دومی لویه جرگه نباشد که باعث به خطر افتادن همبستگی و اتحاد مردم مظلوم وطن نشود و در نتیجه چنین تمایلات، فروپاشی کشور را پدید بیاورد.

مقاله عالمانه دکتر محمد اکبر یوسفی به تحلیل و بررسی عمیق این موضوع پرداخته است که خواننده وطن خواه را به نکات مهم موضوع معطوف می سازد. چون موضوع تدویر لویه جرگه در حال حاضر و در چنین شرایط حساس تاریخی به منظور تغییر رژیم سیاسی کشور مطرح می باشد، لذا (آریانا افغانستان آنلاین) برای جلوگیری از تضعیف "نظام مرکزی" مندرج در قانون اساسی از تمام نویسندگان ملی گرا، وطن خواهان، و مردم دوستان متمنی است تا در این باره نظرات خیرخواهانه خویش را به دفاع از تداوم نظام مرکزی، ثبات و یکپارچگی کشور ابراز نموده و در این بحث شرکت نمایند. برای ثبت نظر خویش بر لینک زیر کلیک نمایید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Yusufi_A/a_yusufi_loyajerga_wa_estefaadae_naahaq_az_aan.pdf

لینک مرتبط...

اسم: ملالی موسی نظام محل سکونت: ایالات متحده آمریکا تاریخ: 24.12.2017

سلام برادر بزرگوار و معزز حمید جان انوری،

ممنون از توجه تان به ابراز نظر این خواهر تان. قبول میکنیم که در حالت اشغال که مملکت مانند عصر ترکی، امین، ببرک و نجیب افغانستان عزیز با بیشتر از 120 هزار اردوی متجاوز نا خواسته شوروی تحت تسلط آن ابر قدرت قرار داشت، لویه جرگه افغانی مفهومی نداشت، چونکه اراده نمایندگان هر گوشه و کنار مملکت نمی توانست صورت گیرد. حتی در آن شرایط خفت بار، زمامدارانی که ظاهراً بر کرسی های ریاست دولت «نصب» گردیده بودند، از هیچ صلاحیتی برخوردار نبودند.

در مورد سوال تان عرضی دارم این است که خاصیت و موجودیت طویل المدت «لویه جرگه» که شما مطرح نموده اید، ساحة محدود افغانی دارد، یعنی که اسم آن و سوابق آن «به هر ارزشی که دایر گردیده باشد» افغانی و زاده اجتماع خود ما بوده است، پس در سرزمین دیگری مثال آنرا در شرایط اشغال جستجو نموده نمی توانیم.

ولی با این نظر شما موافق هستم که در عین زمانیکه امروز مملکت را در حال اشغال خارجی به مفهوم حقوقی آن نمیدانم، ولی طرح احضار لویه جرگه که خود پلان سخیفانه ای برای ایجاد تشتت و از هم گسیختگی کشور را بار می آورد، همچنان دیموکراتیک نبوده و مانند سوداگری در آراء انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان با دسیسه ها و غلط روی ها همراه می باشد و سوء استفاده مطلق از دایر نمودن آن که به هر حال موردی هم در شرایط فعلی ندارد، صورت می گیرد. به آرزوی سلامتی،

اسم: حمید انوری محل سکونت: آمریکا تاریخ: 24.12.2017

خواهر گرامی ملالی جان موسی نظام سلام بر شما!

تشریحات مزید شما در زمینه فراخوانی لویه جرگه در شرایط حاضر کاملاً بجا و معقول است.

این کمترین با درد و دریغ که هرگز شاهد برگزاری یک لویه جرگه واقعی در سرزمین آبائی ما نبوده ام، اما از لابلای اوراق تاریخ همینقدر میدانم که لویه جرگه احمد شاه بابای کبیر و غازی امان الله خان تا اندازه زیادی از اراده مردم نمایندگی میکرد است، اما با تأسف که هرگز نمونه دیگری را بخاطر ندارم.

در شرایط کنونی اما (حالا اگر شرایط موجوده را اشغال بدانیم یا ندانیم)، فراخوانی لویه جرگه از هر طریق و از هر جناب و جناح که فراخوانده شود، هرگز نمی تواند از اراده مردم افغانستان نمایندگی کند؛ با در نظر داشت اینکه حکومت دوسره "وحدت ملی" هم کاملاً مغایر تمام اصول و قواعد بین المللی و خلاف قانون و نیز خلاف عتعات پسندیده مردم افغانستان بوده و هرگز در تاریخ ما نظیر نداشته است.

سوال من اما هنوز هم پابرجاست و آن اینکه در صورتیکه کشور زیر اشغال بیگانه باشد، فرقی نمی کند که روس باشد یا امریکا، عرب باشد یا عجم، مسلمان باشد یا غیر مسلمان؛ چگونه می شود لویه جرگه را فراخواند و تصامیمی که در چنان یک لویه جرگه گرفته خواهد شد، زمینه تطبیقی آن در کدام حد خواهد بود و آیا چنان یک لویه جرگه می تواند مظهر اراده آزاد مردم باشد؟

یار زنده و صحبت باقی...

اسم: ملالی موسی نظام **محل سکونت:** ایالات متحده آمریکا **تاریخ:** 23.12.2017

محترمان آقای قاسم معصومیار و آقای حمید انوری سلام عرض مینمایم،

بعد از احترامات فایقه، در مورد لویه جرگه ها و موجودیت چنین گردهم آیی ملی، اگر منظور حالت و قوت چنین اجتماع حقوقی در شرائط امروز افغانستان باشد، با تشریحات دقیق و روشنگرانه محترم معصومیار، شرائط اجتماعی افغانستان معضله اشغال را مطرح نمی نماید زیرا در هردو نوع اشغالی که در نفس عملیه میتواند جا بگیرد، یعنی اشغال زمان جنگ و اشغال زمان صلح، افغانستان 16 سال اخیر به هیچ کدام مطابقت ندارد. همانطوریکه تشریحات حقوقی ایشان بیان میدارد، حضور قوای خارجی و جامعه بین المللی در مملکت ما با پشتی بانی ملل متحد طوری پلان گزاری گردید که یک افغانستان جنگ زده ای که با اشغال غیر مجاز شوروی، شکست شرم آور آن، هجوم بیرحمانه و تخریب سرزمین ما توسط گروه های تنظیم های جهادی، حکمروایی جمعیت عهد دقیانوس طالبان که همه یک افغانستان آزاد غیر منسلک را به کشتار و جنایات بشری و خاک آنرا به تخریب بنیادی روبرو ساخت، برای نجات آن باید به کمک جهان خارج به یک اعمار مجدد، باز سازی اجتماعی و صلح و امنیت اقدام میگردد.

اینکه آن آرزو ها و امکانات همه در اثر فساد گسترده اداری و چور و چپاول روز افزون عناصر داخلی و خارجی برباد گردید، حکایتیست بس دردناک و تأسف آور که درین مختصر نمی گنجد. ولی باز هم آنچه در مملکت ما با تمام اشتباهات جامعه جهانی و حتی مظلومی که عسکر بین المللی بر هموطنان بی دفاع ما وارد نموده است، نمی شود حضور آنان را اشغال زمان صلح و یا زمان جنگ دانست.

در مورد اینکه در حالت اشغال، مثلاً حضور غیر مجاز قوای اتحاد شوروی سابق ولو با همکاری سردمداران خیانت پیشه خلق و پرچم در افغانستان عزیز، احضار لویه جرگه چه خاصیتی و قوتی در فیصله جات حقوقی می توانست داشته باشد، اگر به خطا نروم، خاصیت آن رژیم سفاک که آزادی های فردی را به هر شکلی مجاز ندانسته و منکوب قرار داده بود، اگر هم جرگه تصنعی و فیصله غیر دیموکراتیک با صحنه سازی ها و دغل بازی های معمول آن رژیم ترتیب میگردد، آنچه را عنعنات ملی مردم افغانستان در قرون متمادی به نام لویه جرگه شکل داده است، در چنان اجتماع غیر ملی مختنق نمی توانست موجود گردد.

گرچه در افغانستان هم لویه جرگه ها آنطوریکه تعامل، مرام و عنعنه آن ایجاب می نماید، حتمی وفق نداشته است، مثلاً در همین اواخر قرن بیستم و عصر جمهوریت سردار داود خان، لویه جرگه قانون اساسی و متعاقباً انتخاب «انتصاب» رئیس دولت که رقیبی در زمینه نداشت، به هیچ قالبی از لویه جرگه هایی که در تاریخ افغانستان گذشته بود، برابر نمی آمد و در نوع خود کاملاً بی سابقه و سوال بر انگیز بود.

نتیجتاً شرائط اشغال ولو با نوعی تفاهم مملکت اشغالگر با مردم تحت نفوذ، موجودیت چنان اجتماعاتی که صیغه عمیق ملی و مردمی داشته باشد عملاً نا ممکن بوده، دقیقاً نمی تواند روحیه یک اجتماع فیصله کننده معضلات حقوقی یک سرزمین را کاملاً تمثیل نماید؛ تا نظر شما چه باشد. با تقدیم احترامات مجدد،

اسم: حمید انوری **محل سکونت:** آمریکا **تاریخ:** 22.12.2017

هموطن گرانقدر محترم معصومیار سلام بر شما!

از معلومات جامع که ارائه کردید سپاسگذارم. دست تان درد نکند.

در مورد اشغال و اشغالگر و کشور تحت اشغال از نگاه حقوقی معلومات ارائه شده از جانب شما بسیار مستدل و از نگاه حقوق بین الملل در خور غور و تأمل است.

پرسش این کمترین اما بصورت خاص در مورد فراخوانی لویه جرگه در چنین شرایط بود و اینکه اگر کشوری تحت اشغال نظامی یک قدرت بیرونی قرار داشته باشد، آیا فرا خواندن لویه جرگه قانونی خواهد بود و اگر بلی، از سوی کدام مرجع و یا مراجع باید صورت گیرد و تصامیم گرفته شده در چنان لویه جرگه ای چگونه مورد تطبیق قرار خواهد گرفت؟

فرضاً در زمان اشغال افغانستان توسط روسها، اگر لویه جرگه ای از طرف مردم صورت میگرفت که مظهر اراده مردم نیز می بود و تصامیم آن هم قابل قبول قاطبه ملت، جنبه تطبیقی چنین تصامیم چگونه عملی باید می شد؟

ممنون از لطف تان

اسم: محمد قاسم معصومیار **محل سکونت:** ایتالیه روم **تاریخ:** 20.12.2017

جناب محترم حمید انوری، سوال جالبی را مطرح کرده اند که ناظر به "لویه جرگه های دوران اشغال" کشور می باشد.

نخست لازم است اشغال را شناخت که اصطلاح "اشغال" به چه حالتی اطلاق می شود اصطلاح شماره 185 فرهنگ حقوق بین الملل "اشغال" را چنین تعریف می کند:

« نوعی روش اصلی کسب حق مالکیت و حاکمیت بر سرزمینی که متعلق به هیچ دولتی نیست (terra nullius) با حضور و کنترل واقعی، دایمی و مؤثر و به منظور حفظ و تحکیم حق مالکیت مکتسبه ناقص از طرق اکتشاف.

اشغال لزوماً به معنی تصرف و حضور در تمامی یک منطقه نیست...»

در این معنی کشور فعلاً در حالت اشغال قرار نخواهد داشت، اگر مقصد حضور قوای خارجی در کشور باشد این حضور به منظور تصرف و کسب مالکیت به کشور نیامده و نیز با زور و جبر در افغانستان اقامت ندارند،

جامعه جهانی از راه ملل متحد و حتی همسایه های مغرض کشور و رقبای بین المللی امریکا به حضور قطعات نظامی در افغانستان موافقت کرده اند و این

حضور توسط مرجع "عالیترین مظهر اراده مردم افغانستان (لویه جرگه)" تأیید شده است،

اندازه، چگونگی فعالیت ها و محدوده آنها در قرارداد نامبرده درج است. که این نوع حضور معنی "اشغال" و یا کدام هجوم متصرفانه را افاده نمی کند و کاملاً با اصول و قواعد بین المللی مطابقت دارد،

این مطابقت و موافقت تمام جوانب بر اساس تبتانی منافع افغانستان، کشور های منطقه و دولی که قطعات نظامی شان در افغانستان مقیم مؤقت اند، به میان آمده است.

اگر منظور انوری گرامی استقلال باشد دولت افغانستان در عمل،

- چه در امور داخلی و چه در مسائل خارجی - مستقل می باشد؛ در قضیه اعلام ترامپ پیرامون بیت المقدس به حیث پایتخت رژیم صهیونیست اسرائیل، دولت افغانستان همان موضع گیری اش را که خودش خواسته اتخاذ نموده است. و یا با وجود روابط تیره میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا دولت افغانستان با ایران روابط عادی دارد. به این صورت در وضعیت فعلی سوال "اشغال" مطرح شده نمی تواند تا اثرات در ماهیت فیصله های کدام لویه جرگه محاسبه و سنجش گردد.

آری لویه جرگه ها - همانطور که سایر محققان گرامی در تألیفات شان متذکر گردیده اند - به خاطر ثبات و امنیت کشور، مواد و مفاد قرار داد های خارجی دولت را حین تصامیم شان رعایت کرده اند.

به همه هویداست که در اوضاع پیچیده کنونی دولت افغانستان - به سبب علل نا جور داخلی و نیز به سبب تهدیدات بالقوه خارجی - قادر به صیانت ارزش های مادی و ملی کشور نخواهد بود و نیاز به آن محسوس است تا از کشور و یا کشور هایی که افغانستان با آنها تبتانی منافع دارد، امداد شان را در این عرصه جلب و به کار بندد که چنین توفعی قبلاً جامه عمل پوشیده است.

بعضی از هموطنان محترم ما که حضور عساکر جامعه جهانی به خصوص امریکایی را تعریف "اشغال" می دهند و از این طریق در عرصه تبلیغات به تضعیف دولت می کوشند، نخست کدام الترناتیف (بدیل) عملی و سهل دیگری برای مدیریت و حفظ ثبات اوضاع کنونی نمی دهند تا جاگزین وضعیت کنونی (به جای عساکر خارجی از کشور ما در برابر تهدیدات خارجی و انواع و اقسام متعدد تروریسم حمایه و دفاع نماید) گردد.

و ثانیاً اگر هدف رخصت کردن عساکر خارجی از افغانستان باشد بادر نظر داشت این هدف، باید در این کشور دولت قوی و مسلط بر اوضاع ناجور کنونی را داشت. تا خود به حذف و حل معضلات کنونی بپردازد که ضرورت به حضور قوای خارجی منتفی گردد، در حالیکه تضعیف دولت درست در نقطه مقابل این مقصد قرار خواهد گرفت و نیاز به حضور عساکر خارجی را توجیه خواهد کرد.

با احترام م، ق، معصومیار

اسم: غلام محمد راضی محل سکونت: از هالیند تاریخ: 20.12.2017

برای معلومات خوانندگان
ولسی جرگه، یا مشرانو جرگه

لویه جرگه سال ۲۰۰۲ که حامد کرزی را به عنوان رئیس جمهور موقت انتخاب کرد.

لویه جرگه یا جرگه بزرگ یا جرگه ملی، به معنی «گردهمایی بزرگ سران قباایل افغانستان» است. لویه جرگه بزرگترین مجمع بزرگان و شخصیت های قومی و اجتماعی کشور افغانستان است و در موارد بحرانی در افغانستان تشکیل می شود. در بیشتر موارد از سوی پادشاه یا رئیس جمهور فرا خوانده شده اعضای آن می توانند هم انتخابی و هم انتصابی باشند. نخستین جرگه در سال ۱۱۶۰ هجری شمسی (۱۷۴۷ میلادی) برگزار شد. این جرگه سرنوشت و آینده کشور تازه ای به نام افغانستان را رقم زد، پس از ۹ روز مباحثه میان سران اقوام غلزی، پوپلزایی، نورزایی، سدوزایی و دیگران، احمد شاه ابدالی از قوم سدوزایی به عنوان پادشاه افغانستان برگزیده شد.

لویه جرگه کلمه پشتو است که در زبان فارسی دری به معنی جرگه بزرگ است. جرگه کلمه دری و به معنی گروه و صف آمده است. جرگه در کاربردهای سیاسی- اجتماعی آن به معنی گرد همایی و اجلاس است. به عبارت دیگر هر مجلس، جلسه و اجلاسی که برای تصمیم گیری، نظر خواهی و مشورت در باره یک امر محلی، ملی و قومی برگزار شود، جرگه است. آنچه جرگه را از گردهمایی های دیگر جدا می سازد محتوا، شیوه کار و منظور آن است. محتوای جرگه مردمی است و برای سنجش آرای عمومی. از این رو برخی آن را نوعی ريفراندم یا همه پرسی خوانده اند. منظور از تشکیل جرگه ها چاره جویی، رسیدگی و تصمیم گیری همگانی در مورد یک مسأله سیاسی- اجتماعی است. شیوه کار آن بسیار ساده است. معمولاً یک فرد اداره آن را بر عهده می گیرد و موضوع خاصی را به همه پرسى می گذارد تا شرکت کنندگان بالای آن به بحث بپردازند. در پایان با توافق کلی به تصمیم مشترکی می رسند. این تصمیم سر انجام به مثابه یک فیصله ملی، محلی و قومی عملی می گردد.

جرگه نه زمان معین دارد و نه جای معین. بنا بر نیازهای سیاسی و اجتماعی به وجود می آید و پس از پایان کار، خود به خود منحل می گردد. می توان گفت که جرگه هر زمان و هر جایی که یک امر سیاسی یا اجتماعی ایجاب کند تشکیل می شود. اعضای جرگه را موسفیدان، بزرگان اقوام و شخصیت های با تجربه و متفقد می سازند.

جرگه، کهن ترین نهاد سنتی در اداره اجتماعی است و ریشه در تاریخ و فرهنگ قبیله ای دارد. جرگه به کدام قوم، ملت، محل و فرهنگ خاصی تعلق ندارد و به گونه هایی در میان همه جوامع بشری دیده شده است. اما در جوامعی که از سازمان و ساختار سیاسی و اجتماعی پیشرفته بر خوردارند، نقش آن کم رنگ تر شده کار برد آن کم کم از میان رفته است.

در افغانستان هنوز هم جرگه یک راه گشای سیاسی - اجتماعی شمرده می شود و از نتایج خوبی برخوردار است. در مورد بهره برداری سیاسی از جرگه ها جای بحث است و در بیشتر موارد وسیله ای بوده است برای مشروعیت بخشیدن به خواسته های از پیش تعیین شده دولت های افغانی.

جرگه در افغانستان سه نوع است:

جرگه محلی

جرگه قومی

جرگه ملی (لویه جرگه)

جرگه محلی، در مقایسه با سایر انواع جرگه ها ساحه تأثیر محدودی دارد. این جرگه ها از گذشته های دور تا کنون در سراسر افغانستان وجود داشته عملی ترین شیوه اداره سنتی اجتماعی در ده و محله به شمار می رود. جرگه های محلی معمولاً در موارد کم آبی، خشکسالی و برای حل اختلافات محلی به وجود می آید.

جرگه‌های قومی، به مسائلی می‌پردازد که یک یا چند قوم را در بر می‌گیرد. این جرگه‌ها در مواردی مانند برخوردهای قومی یا بروز اختلاف‌ها و مسائل مهمی که تصمیم‌گیری و تلاش مشترک را ایجاب می‌کند، تشکیل می‌شود.

جرگه ملی یا لویه جرگه، بزرگ‌ترین مجمع بزرگان و شخصیت‌های قومی و اجتماعی کشور است و در موارد بحرانی در افغانستان تشکیل می‌شود. در بیشتر موارد از سوی پادشاه یا رئیس‌جمهور فراخوانده شده اعضای آن می‌توانند هم انتخابی و هم انتصابی باشند.

برگرفته از صفحات اینترنتی آزاد

اسم: حمید انوری **محل سکونت:** امریکا **تاریخ:** 16.12.2017

با عرض سلام و احترام!

هموطنان دراک، دلسوز، پرتلاش و دانشمندان قلم به دست ما در مورد "لویه جرگه" معلومات وسیع و جامع ارائه نموده و تاریخچه آنرا نیز با تمام جزئیات زحمت کشیده، تتبع نموده و خدمت هموطنان تقدیم داشته‌اند که بر قلم‌شان برکت.

نزد این کمترین اما یک پرسش هنوز پاسخ طلب است و آنهم اینکه در حالت اشغال کشور توسط نیروهای نظامی کشور های خارجی، لویه جرگه چگونه فراخوانده می‌شود و جنبه عملی و تطبیقی چنین لویه جرگه‌ها در کدام حد خواهد بود و چه کسانی در چنان شرایطی صلاحیت فراخوانی لویه جرگه را خواهند داشت.

اسم: ف، هیرمند **محل سکونت:** فرانسه **تاریخ:** 14.12.2017

جناب محترم نوری صاحب گرامی، مسؤول وبسایت وزین آریانا افغانستان آنلاین!

مقاله پُر محتوای تان را که در باره تقلاهای عده ای از رَجُل سیاسی کشور برای دایر کردن لویه جرگه، خامه کرده بودید مطالعه کردم، در این نوشته بلند تان نکاتی را یافتم که دوستان دیگر کمتر به آن توجه کرده و یا به آن متوجه نه گردیده‌اند.

یکی از این موارد این بوده است که دایر کردن لویه جرگه بدون کدام استناد قانونی، ملی و دموکراتیک و بدون وقع‌گزاری به اوضاع و شرایط حاکم، نه تنها به عواقب خطرناک و غیر قابل توقع منجر میگردد بلکه مؤسسه تاریخی "لویه جرگه" را که از سنن سیاسی مردم افغانستان می‌باشد نیز به بدنامی و ارزش‌زدایی می‌کشاند.

بعضی از قلمبیدستان به این تصور گرفتار آمده‌اند که اساساً لویه جرگه دگر کارآمدی خود را از دست داده است...! در حالی که چنین نیست بلکه لویه جرگه به این جهت کار آیی نه خواهد داشت که همزمان با شرایط و تحولات عینی و ذهنی و انکشافات دموکراتیک، نه در شکل و نه در محتوی، نوسازی نه شده است، چون لویه جرگه خود کهنه و قدیمی مانده است و عده ای هم آنرا با نگاه‌های نه‌چندان جدید می‌نگرند، چنین لویه جرگه ای قادر به ارائه راه حل جدید، ارائه نوع تحقق این راه حل و تشخیص و توظیف مجریان آن حل، نمی‌باشد و گروه‌هایی که به اهداف عمومی توجه ندارند و فقط به منافع محدود و گروهی خود پایندند به این نوع لویه جرگه دلچسپی و علاقه دارند. چنین یک لویه جرگه ناتوان، عقب‌گرا و کهنه و سالخورده توانایی درک مشکلات مردم را ندارد و بناءً مردود و غیر قابل قبول می‌باشد، این را نیز باید افزود که برای داشتن یک لویه جرگه مطلوب و مدرن هنوز راه درازی پیشروست.

علاوه‌کنم که قرار افواها، یک عده دیگر که بعضی از دیپلماتان مقیم خارج نیز در آن همدست و همدستان‌اند، به فکر تدویر لویه جرگه عنعنوی می‌باشند، تا از این طریق به قدرت دسترسی پیدا کنند، دیده می‌شود که به این شیوه دستپایی به حاکمیت بیشتر چه کسانی توجه

دارند.

نوری معزز و بزرگوار!

از اینکه در نوشته تان از کار این جانب تمجید نموده و آنرا ستوده‌اید، ابراز سپاس‌گزاری می‌نمایم

با حرمت و محبت

ف، هیرمند

اسم: رسول پویان **محل سکونت:** افغانستان **تاریخ:** 13.12.2017

نگاهی به چگونگی لوی جرگه در کابل

تبصره ناشر: مقاله محترم رسول پویان که تقریباً شش سال قبل از این در باره لویه جرگه تحریر و به نشر گذاشته شده است، نکات و مواردی را حایز است که امروزه نیز بر وضعیت و جایگاه لوی جرگه مطمع نظر عده پُر طمع مطابقت دارد، یکی از نکات مورد توجه در شکل لویه جرگه که اثر ناگوار در جامعه کنونی وطن ما دارد، بطی ساختن و کاهش مدرج انکشاف جامعه مدنی و رشد تحولات دموکراتیک اجتماعی است که آقای "پویان" در مقاله خود به آن اشاره مکرر دارد، اصل مقاله را لطفاً مطالعه فرمائید

لوی جرگه یا مجلس بزرگ مشورتی در کشور تاریخ طولانی دارد؛ اما جایگاه و نقش آن در برشهای مختلفه زمانی متفاوت بوده است. در اوضاع جدید کنونی دیدگاه‌های متنوع در مورد این گردهمایی سنتی وجود دارد و نقش و تأثیر آنرا در پروسه گذار به جامعه مدنی متکی بر نظم و قانون روشن در زیر سقف پرگشایش سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی استوار عمیقانه تر تحلیل و بررسی می‌کنند. بنابر این دو سوژه مهم مطروحه (پیمان ستراتیژیک روابط با امریکا و صلح با طالبان) ضرورت به ژرف اندیشی بیشتر دارد....

لینک مرتبط...

خلقی است پراگنده سعی هوسی چند
پرواز جنون کرده به بال مگسی چند
کر و فر اینای زمان هیچ ندارد
جز آنکه گسسته است فسار و مرسی چند
بیبل

نوشته عالی، ملی و علمی جناب "ف. هیرمند" را در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین مطالعه کردم و از گذاشتن این نوشته سراپا آموزشی، تحقیقی و علمی در ستون نظر خواهی (برای مطالعه و تبصره و ابراز نظر خوانندگان وطن پرست و آگاه و نخبگان سیاسی و اجتماعی افغان) خوشحال شدم. از همه وطنپرستان، دوستداران افغان و افغانستان و هموطنانی که خواهان تمامیت و یکپارچگی وطن عزیز ما هستند و آرزومند وحدت ملی و نزدیکی و وصلت اقوام مختلف افغانستان می باشند؛ به شمول آنانی که برای حفظ نام افغانستان و هویت ملی باشندگان آن منحنیث (افغان) تلاش دارند، آرزو می رود قلم بردارند و بنویسند و نظر بدهند و پیشنهاد کنند و "راه گم کردگان" را به راه راست و ملی دعوت نمایند.

نخست از نویسنده توانا و صاحب قلم کم همتا، دوست نهایت گرامی ام جناب "هیرمند" اظهار امتنان و سپاس دارم که با وجود مصروفیت های فرهنگی و همچنان مشکلات مسافری، قلم برداشتند و یکی از بهترین ها را نوشتند که من به همکاری گرانبهای ایشان در وبسایت آریانا افغانستان افتخار می کنم و به ایشان می بالم.

سپس از همکار گرانقدر و محترم دیگر این رسانه، جناب جلیل غنی هروی نویسنده عالی مقام و ژورنالیست توانا و با صلاحیت علمی سپاسگزارم که با درک عالی از حالت دگرگونی وطن و مردم آن، مطلب عالی، ملی و پرمحتوایی زیر عنوان (لویه جرگه و نقش آن در حیات سیاسی...) نوشتند که سبب خلافت نوشته علمی و حقوقی جناب "هیرمند" در زمینه شد.

فعالیت های صرفاً سیاسی و نه ملی تعدادی از دست اندرکارانی که در این دوازده سال اخیر (که معرفی شان از حوصله این مختصر دور است) حکمرانی غیر ملی شان چه ها نبود که در حق این ملت و این کشور نکردند و حالا باز می خواهند از طریق تشکیل یک لویه جرگه ناقص (به زعم خود شان لویه جرگه عنعنوی!)، غیر قانونی و غیر ملی قدرت دولتی را بدزدند و کشور را به فنا و فلاکت و تجزیه و برپادی سوق دهند.

به آن عده دیگر که از طریق دایر نمودن "لویه جرگه قانون اساسی" به هوای تحقق آرزو های نامیمون و خلاف منافع مردم کشور اند نیز باید واضح ساخت که نیت ضد ملی شان افشا و رسوا خواهد شد.

بلی کوشش های.....

لینک مرتبط...

در مورد لویه جرگه ها قدامت تاریخی و دلایل انعقاد آن از آثار برانزنده تحلیلی و علمی دو نویسنده فرهیخته و توانای همکار این وبسایت آقایون محترم جلیل غنی هروی و ف. هیرمند زیاد آموختیم.

در این پدیده های ناب دریافتیم که از نگاه قانون لویه جرگه (عنعنوی یا قانون اساسی) وسیله اقتناع خواسته های این و آن بر بنیاد اهداف و مقاصد خاص نبوده بلکه برای انعقاد هر یک احکام صریح قانونی در چگونگی حالت و وضع موجه وجود داشته و مرجع صلاحیت دائر ساختن آن به وضاحت توضیح گردیده، و همچنان اعلام حالت اضطرار لحاظ قانون از صلاحیت رئیس جمهور است.

با ابراز امتنان مجدد از هردو دوست گرانقدر، اراده بر آن شد که با در نظر داشت شرایط کنونی و مقتضیات دنیای متمدن در قرن بیست و یک در حالی که در کشور حاکمیت قانون وجود داشته (ولو که تطبیق نمی گردد) و حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور توسط قانون مادر و قوانین نوزاد متمدن و توضیحی تنظیم گردیده آیا مراجعه به رسوم عنعنوی که در شرائط و احوال خاصی (فقدان قوانین کتبی) بیگانه اسلوب و بهترین وسیله اتخاذ تصمیم بزرگ ملی و مشروعیت بخشیدن یک نظام و یا یک زعامت بود، آیا هنوز هم ضرورت است و باید جزء فرهنگ قانونی کشور باشد؟

لینک مرتبط...

لویه جرگه د افغانانو ورسنتی منبع ده

واقعی لویه جرگی افغان تاریخ کی د افغانانو ورسنتی د مشورو، فیصلو او د تطبیق منبع وه چه افغانان په کی خپل شاه هان او امپراطورانی تاگیلی د سولی او جنگ په اړه فیصلی صادری گری د ځمکنی فضای او فکری خپلواکی په اړه یی حکمرانانو ته لند او دقیق پیشنهادونه او مشوری د تطبیق له پاره وړاندی گری.

د لویی جرگی اعضا غیر له مرکز نه، خلک خپل نماینده گان په خپل خوشه د علاقه داریو، ولس والیو او ولایتو په سطح لیکلی،

دا په دی معنی چه هغه څوک چه په خپل کلی علاقه داری ولسوالی یا ولایت کی په رشتیا په دین او وطن مین د عزت، عفت او درناوی وړ وه د خلک له خوا لویه جرگی ته لیردو کیدل.

لویه جرگه هر رومرو په یو خپلواک افغانستان کی قانونی بڼه لری هغه.....

لینک مرتبط...

درین روز ها تقاضا برای تدویر لویه جرگه اوج گرفته و آنانی که از صحنه سیاست و دولت داری کنار زده شده اند، یا مطابق به احکام قانون اساسی

افغانستان دیگر شانس کاندید شدن را در انتخابات ریاست جمهوری ندارند، پی هم در خواست دایر شدن لویه جرگه را می نمایند. همچنان بعضی از نهاد های سیاسی که چندان محبوبیتی در بین همه مردم افغانستان ندارند و فکر نمی شود بتوانند از طریق انتخابات در هرم قدرت دخیل گردند، همه اینها دست به دست هم داده اند و تدویر لویه جرگه را برای بر رسی آنچه وخامت اوضاع در افغانستان می خوانند، و تصمیم گیری در باره افغانستان، تقاضا دارند. این دست از سیاستمداران حرفوی و یا بازیگران میدان سیاست افغانستان که با استفاده از موقف های سیاسی قبلی، چه در دستگاه حاکمه و چه حامیان و شریکان این دستگاه، از امتیازات خاص بر خور دار بودند و هر یک از این اشخاص و گروه ها مالک میلیونها دالر و بلند منزلهها و آرگاه و بارگاه و دم و دستگاه و سرمایه های هنگفت در بانکهای داخل و خارج و املاک بی حساب در دوی و ترکیه و کشور های دیگر گردیده اند، آخرین تلاش شانرا در سکرآت مرگ سیاسی، می کنند تا اگر بتوانند با نا آرام ساختن اوضاع، افزایش بی نظمی ها و اختطاف ها و همکاری با مخالفین مسلح دولت، اوضاع را چنان بی ثبات، و دولت و مملکت را به چنان وضعیتی بر گردانند که از طریق تشکیل یک لویه جرگه باز هم خویش را بر گرده ملت تحمیل نمایند. اما اکنون که بنیاد یک اجتماع دموکراتیک و اساس یک دولت قانونمند گذاشته شده است، قانون اساسی افغانستان شرایط و مشخصات دایر شدن لویه جرگه و اعضای آنرا پیش بینی نموده، دیگر آن قدح بشکست و آن ساقی نماند که باز هم چنین اشخاص و گروه ها، با نیرنگ های کهنه طبل نوی را بنوازند و بساط دیگری برای چپاول کردن دارائی های عامه بگسترانند. لویه جرگه ها در افغانستان تحت شرایط و اوضاع خاص در حالی دایر گردیده که یا پارلمانی وجود نداشته و یا هم چگونگی تدویر لویه جرگه در قوانین پیشبینی نشده بود و سلطان و زمامدار، هر زمانی که لازم دیده.....

لینک مرتبط...

اسم: محمد نعیم بارز محل سکونت: پاریس تاریخ: 04.12.2017

دوست بسیار محترم آقای ف هیرمند سلام!

همه میدانند که من زیاد اهل توصیف و تعریف نیستم، اگر بودم جا داشت در وصف ارزش مقاله «چرا لویه جرگه» و روشنگری نقاط مبهم آن از سوی شما با درکی از موضع حقوقی که به خوبی به آن پرداخته اید بل اخص توضیحات تان در قسمت چگونگی تفاوت لویه جرگه سنتی و لویه جرگه قانون اساسی و همین طور نکات دیگر، باید بسیار کلمات تمجید آمیز به کار می بردم، اما میدانم که ضرور نیست و شما هم به آن نیاز ندارید.

اگر از جنبه حقوقی که کار مسلکی تان است بگذریم، موضع گیری سیاسی شما نظر به شرایط و مقتضیات کنونی افغانستان بسیار واقع گریانه و با در نظر داشت منافع ملی بسیار منطقی بیان گردیده است.

ولی بی تردید نتایج تاریخی جرگه های محلی و لویه جرگه ها چنان مبحث مهم و بزرگ اند که ممکن نیست همه ارزش مثبت و منفی به بار آمده آن در اینجا در یکی دو صفحه توضیح گردد.

خوب شد این موضوع بسیار تاثیر گذار در سرنوشت تاریخی مردم افغانستان از سوی شما در وبسایت وزین «اریانا افغانستان آنلاین» پیش کشیده شد تا منحیت باب فتح، صاحب نظران دیگر نیز به آن بپردازند بخصوص در حالی که دیده می شود کسانی از قدرت دولتی بدور مانده برای رسیدن به قدرت و یا کسانی مثل عطا محمد نور والی نت و بولت شده ولایت بلخ برای کسب قدرت بیشتر تلاش دارند با استفاده از این نهاد یعنی برگذاری لویه جرگه به آرمان شان برسند.

از سوی دیگر آنهایی که در قدرتند مخالفت شان را به برگذاری آن ابراز داشته اند.

خلاصه این موضوع بسیار داغ شده و فکر می کنم در این فرصت گوش ها یک اندازه برای شنیدن حرف حسابی و منطقی باز شده است، پس چه بهتر آنهایی که در این ارتباط چیزی می دانند خاموشی اختیار نکرده هر چه زودتر و بیشتر با در نظر داشت خیر و منفعت کشور حرف دل شان را بگویند و بنویسند تا باشد که مثل گذشته ها مردم به دنباله رویی از قدرت جویان و جنگسالاران در تاریکی حرکت نکنند.

تشکر از محترم آقای ف هیرمند که در این زمینه پیش گام شدند. مورخه 4/12/2017

اسم: حنیف رهیاب رحیمی محل سکونت: کندهار تاریخ: 03.12.2017

لویه جرگه؟؟

درین روزها یک عده افراد و گروه های مخالف داکتر اشرف غنی در زمینه های مختلفی چون ضعف دولت در اداره اوضاع امنیتی، تشدید فعالیت های دهشت افگنان، مشکلات بیکاری و کمبود برق و غیره، درزی را یافته اند و کوشش می کنند به هر شکلی شده از موقع استفاده نموده این درز را به شگاف و بالاخره بیک گودال مبدل بسازند و گره هر مقصود را بدست بیاورند. همچنان کوشش می کنند که احساسات مردم را نیز درین گیر و دار بیازمایند، اما نمی دانم چرا باور نمی کنند که یکی شان هم سابقه خوبی ندارند تا مردم بالای شان اعتماد نمایند.

در رأس این حرکت عجولانه آقای حامد کرزی رئیس جمهور پیشین کشور قرار دارد زیرا موصوف لذت رئیس جمهور و شخص اول بودن یک کشور را خوب مزه کرده و در شرایطی مزه کرده که جامعه جهانی برای از بین بردن پدیده وحشت آفرین تروریسم میلیون ها دالر را بسوی این شخص به اصطلاح باد کردند تا هرچه زود تر با استفاده از این کمک های مادی و معنوی، دست بکار شود و بازوی این هیولای نابود کننده را از شانه قطع نماید. اما تاریخ سوگوار سیزده سال ریاست آقای کرزی ثابت ساخت که این شخص نه تنها در از بین بردن تروریسم و خشک نمودن ریشه آن کدام کار سودمندی را انجام داد بلکه تمام آن کمک های وافر و بی حساب را با جمعی از رفیقان و اندیوالان لنده غرش، حیف و میل نموده در بانکهای خارج به حساب های شخصی شان پس انداز نمودند.

می دانم که نوشتن این واقعیت ها برای هر هموطن ما تکرار در تکرار شده و در راست بودن آن.....

لینک مرتبط...

اسم: ف، هیرمند محل سکونت: فرانسه تاریخ: 02.12.2017

بزرگوارم جناب عباسی صاحب گرامی، نویسنده متبحر!

از لطف و محبت شما دنیای امتنان دارم، واقعاً تشویق و ترغیب شما بود که این جانب به تهیه و نوشتن آن مقاله دست یازیدم، آرمان های بزرگان چراغ راه

من است که بتوانم، در مسیر روشنگری مردم از آن استفاده بنمایم و این طریق خدمتی به وطن اداکنم. باز هم از نوازش های مملو از مهر و صفای تان جهان سپاس می نمایم.
با حرمت و صمیمیت
ف، هیرمند

اسم: عارف عباسی **محل سکونت:** ایالات متحده آمریکا **تاریخ:** 02.12.2017

دوست و همکار خبیر و دانشمند جناب ف. هیرمند صاحب!

این عرض امتنان باید قبلاً صورت می گرفت، متأسفانه تکالیف صحنی و دوری از منزل این تأخیر غیر عمدی را بار آورد که معذورم دارید... با دنیای سپاس و امتنان از مرحمت شما که تقضای مرا پذیرفته به خود زحمت تهیه چنین اثر پر بها و آموزنده را دادید. بدون هر نوع تعارف الحق که یک پدیده تحلیلی، جامع، علمی، مکتبی، تدریسی و همه جانبه است. معلومات ارائه شده با نکات نظر توضیحی منطقی و مستدل ارائه گردیده، جواب بسی سؤالیهای خود را که با عدم دقت خودم پیدا شده بود یافتم.
توضیح مشخصات لویه جرگه عنعنوی و شرائط آن و لویه جرگه قانون اساسی با مقتضیات عصر و زمان بسیار جالب و آموزنده است.
توضیحات حالت اضطرار و صلاحیت های رئیس جمهور در تدویر لویه جرگه که یکی از ملاحظات بنیادی مرا می ساخت، مطابق مواد شصت و هفت و شصت و هشت روشنی کافی بر جوانب قانونی قضیه انداخته و آرزومندی اشخاص، حلقات، ائتلافات را برای دایر شدن لویه جرگه (چه عنعنوی و چه قانون اساسی) چون کاربرد دستاویزی به منظور دستیابی مجدد به قدرت، به استناد این قانون، به خواب و خیال مبدل می کند. با شما موافقم که قانون در تصریح بسی حالات مندرج (ماده شصت و هفتم) گنگ و شعار گونه بوده که با توسط قوانین متممه و یا تعدیلات باید توضیح گردد.
البته که با سیر تکامل جوامع ساختار های مشورتی، جرگه ها و شورا ها با تغییر نظام های بر سر اقتدار جامه بدل کرده و بیشتر مترقی، دموکرات و انکشاف یافته گردیده و خواسته های مدنی مردم در آن منعکس گردیده که آرمان های سهم داشتن وسیع مردم در تعیین سرنوشت ممالک شان تحقق یافته، و مؤسساتی که واقعاً ممثل اراده ملت باشد جاگزین رسوم و عتقناتی شود که دیگر نه تنها خسروان خیر کشور خود دانند بلکه مردمان سالار امور زندگی خود باشند.
با تجدید احترامات از لطف و همکاری شما متشکرم.
من خود پیرامون لویه جرگه و تداوم استفاده از آن بحیث یک مرجع عالی مظهر اراده مردم بودن ملاحظاتی دارم که طور مقاله به نشر خواهم سپرد.
چون اجازه شما را کسب نموده ام خط اتصال مضمون شما را در صفحه خود در فیس بوک می گذارم.

اسم: ملالی موسی نظام **محل سکونت:** ایالات متحده آمریکا **تاریخ:** 02.12.2017

همکار دانشمند، محترم جلیل غنی هروی،
بعد از عرض سلام، مضمون ارزشمند و تحقیقی تان در مورد لویه جرگه ها در کشور، نهایت آموزنده و مستدل بیان گردیده است که درین احوال و اوضاع حساسی که در افغانستان عزیز برای تخریب اذهان عامه و تبلیغ روحیه بی اعتمادی در اجتماع، موضوع تشکیل لویه جرگه را که شرایط موجوده اصلاً برای احضار آن مناسب نبوده و موردی هم ندارد که چنین اقدامی صورت گیرد، نمونه یک تحقیق عالمانه در چنین زمینه ای محسوب می شود.
باید به عرض برسانم که چندی قبل که کتاب نهایت آموزنده «ارکان ژورنالیزم» را با لطف بردارانه تان به این جانب ارسال داشتید، جا داشت که بعد از مطالعه نظر و عقیده شخصی خویش را در چند سطری همان طور که در تلفون اظهار داشتیم بیان مینمودم، تا خوانندگان هم از مزایای آن اثر آموزنده آگاهی حاصل می نمودند؛ ولی با کمال معذرت، مریضی ای که در همان زمان عاید حال گردید، مرا ازین کار باز داشت و متأسفانه زمان بر روی چنان وجیهه ای پرده فراموشی کشید.
کتاب مذکور واقعاً که روشنی اندازی براننده ای بر نحوه کار و فعالیت یک ژورنالیست بوده و هم شرایط و اساسات طرز پذیرش شیوه مهم ژورنالیستی امروز را بیان می نماید که آگاهی به آن احتیاج هر قلم بدستی است که درین راه ولو به صورت شوقی گام بر میدارد.
خوشحالم که زحمات تان برای نشر اثر دیگری تحت عنوان «ره آورد» که شمه ای از جریانات و رویداد های وطن را از سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ هجری شمسی، تشریح و توضیح میدارد، تلافی گردیده و موجبات قناعت تان را فراهم نموده است. امید روزی به مطالعه این اثر تان هم نایل گردم. با تقدیم احترامات،
موفق و کامیاب باشید،

اسم: ملالی موسی نظام **محل سکونت:** ایالات متحده آمریکا **تاریخ:** 02.12.2017

حقوقدان خیره افغان، نویسنده توانا محترم آقای ف. هیرمند،

بعد از عرض سلام، مضمون نهایت آموزنده و جامع تانرا تحت عنوان «چرا لویه جرگه؟» درین وبسایت ملی به دقت مطالعه نموده و بر توجه تان در ارائه همه جوانب حقوقی لویه جرگه ها در افغانستان و شرائط احضار آن در حالات ممکنه، آفرین گفتم. همانطور که مشاهده میگردد، از چندی به این طرف عده ای سر به هوا و دل به تماشا بدون در نظر داشت شرایط وخیم بی امنیتی و کشتار و خون ریزی های متواتر که با علل دیگری، آسایش اجتماع افغانی را در سراسر مملکت به تاراج برده است، آوازه و پیشنهاد دایر نمودن لویه جرگه افغانی را در اذهان خلق تدریق می نمایند. همان طور که جناب تان تشریح نموده اید، با چنین نا روا کاری ها، گروپ های مختلفی که کوچکترین وابستگی به آسایش و امنیت مردم مظلوم وطن ندارند، مثل همیشه در صدد رسیدن به منافع گوناگون خویش اعم از بی ثباتی و تخریب حکومت مرکزی، تغییر در مواد قانون اساسی و ضعف اداره و ایجاد دگرگونی در دستگاه اداری افغانستان بوده و بدون در نظر داشت عواقب وخیم آن، پلان و نقشه طرح می نمایند.
در حالت متزلزل فعلی آنچه را منحصت ناچی مردم کشور باید پذیرفت، فقط اتحاد اقوام و همبستگی ملی است که به عوض دسته بندی های سیاسی و گروپ سازی های بی مورد و دسیسه های همسایگان غدار، با اتفاق همگانی از یک افغانستان پر آشوب، خانه مطمئن و با امنیتی برای ملت آباد گردد.
همانطور که فرموده اید، احضار لویه جرگه به هر شکلی که باشد، در پناه متون قانون و از صلاحیت های رئیس دولت، آنهم در شرایطی که الان موجود نیست، مری الاجرا می گردد و هیاهو برای هیچی که امروز تبلیغ میشود، دقیقاً غیر قانونی و از منطبق به دور است. درین مورد ممنون از شما که استناد تان در هر زاویه چنین مبحث مهمی آموزنده و مستدل میباشد. آنانیکه با وجود آگاهی از قانون، آب را در مورد احضار لویه جرگه از سرچشمه گل آلود میسازند، در پی هر ناروایی هستند که ثبات سیاسی را مختل نموده و طوریکه تجاربی داشتیم، با ایجاد بلوا و آشوب عملاً بر مصائب ملت مظلوم افغانستان افزوده گردد.
به آرزوی موفقیت های بیشتر تان،